

تعریف تضمین و ویژگی های آن

سامان کاویانی، محمد جواد مشک افشان

چکیده

تضمین یکی از صنعت های ادبی است؛ که کاربرد فراوان در فهم قرآن دارد. و شاید در حوزه های علمیه آن طور که باید به این مسئله پرداخته نمی شود. اصطلاح تضمین در دو علم بلاغت و نحو وجود دارد ولی در این مقاله قصد بررسی تفصیلی تضمین در علم بلاغت را نداریم و به بررسی تضمین در علم نحو می پردازیم. نحویون مختلف از تضمین در کتب خود بحث کرده اند؛ بعضی ذیل بحث تعدیه و لزوم افعال تضمین را بحث کرده اند بعضی در بحث منصوب بنزع خافض مسائل تضمین را آورده اند و بعضی هم در بحث از معانی حروف جر اشاره به این بحث کرده اند؛ عده ایی از نحویون هم بابتی جدا گانه به نام تضمین در کتب خود جا داده اند. از تضمین با نام اشراب هم در کتب نحوی و بلاغی یاد می شود. تضمین عبارت است از استعمال مجازی فعل یا شبه فعلی در غیر معنای اصلی خود به قرینه ی آمدن مفعول یا حرف جر ناسازگار با فعل یا شبه فعل بنابراین تضمین مجاز است و در تضمین معنای فعل اصلی را در نظر گرفته و معنای فعل دیگر را در کنار آن قرار می دهیم. تضمین علاوه بر فوایدی که استعمال مجازی دارد؛ فواید مختص به خود نیز دارد. مثل اینکه گاهی باعث می شود بعضی از حروف را در قرآن زائده نگیریم. تضمین قیاسی است ولی به دلیل این که مجاز است خلاف اصل به حساب میاید. اثر بررسی قیود تضمین در نوع ترجمه و تفسیر قرآن خود را نشان می دهد.

واژگان کلیدی:

تضمین اشراب مجاز حقیقت نیابت

مقدمه

تضمین یکی از مسائل نحوی است. که به کارگیری این صنعت در ترجمه متون ادبی عربی از جمله قرآن و روایات باعث اثر بخشی ویژه ی به معنا می شود و تاثیر فوق العاده ایی در معنا می گذارد. اما علی رغم آنچه از حوزه های علمیه انتظار می رود این مسئله چنان که باید، در حوزه طرح و بررسی نمی شود. با اینکه تضمین مسئله ایی است که در علوم مختلف علاوه بر نحو مثل علوم قرآن و تفسیر مطرح می شود.

همان طور که می دانید در کلام عرب هر فعل با یک سری حروف جر خاص استعمال می شود. برای شناخت حروف جر سازگار با افعال می توان به کتب لغت مراجعه کرد و به طور خاص می توان به کتاب معجم الافعال المتعدیه بحرف رجوع کرد. که حرفی که با هر فعل سازگاری دارد را نام برده. اما در کلام عرب گاهی افعال با حروف جر ناسازگار با خود استعمال شده است این مشکل باعث شد که مذهب های مختلف نحوی برای حل این مشکل راهی را پیدا کنند. در نتیجه دو مذهب مختلف برای حل این مشکل به وجود آمد یک دسته

بصریون بودند که اول سعی می کنند استعمال حرف جر را تاویل ببرند و به نوعی این استعمال ناسازگار را توجیه بکنند. در مرحله ی بعد اصطلاح تضمین را درست کردند منظور بصریون از تضمین این بود که ما معنای یک فعلی که تناسب با حرف جر ناسازگار دارد پیدا می کنیم که متناسب با معنای فعل هم باشد در فعل مذکور قرار می دهیم و از آمدن حرف جر ناسازگار می توان پی به اراده ی معنای مجازی از فعل برد. پس بصریون به این شکل مشکل ناسازگاری فعل و حرف جر را با تغییر معنای فعل حل می کنند. در مرحله ی آخر اگر تضمین هم جواب گو نبود؛ مشکل را از طرف حرف حل می کنند و قائل به نیابت حرف جر ناسازگار از حرف

جر سازگار با فعل موجود می شوند. اما مذهب دوم که این مشکل را جور دیگر حل می کند مذهب کوفیون است که برای حل مشکل مستقیماً سراغ نیابت رفتند.

معمولاً در کتب نحوی و علوم قرآنی و تفسیری بحث تضمین مطرح می شود. اینکه ذیل چه بحثی این مسئله مطرح شود با توجه به سلیقه نویسنده های کتاب ها مختلف است. در کتب نحوی قدیمی اکثراً به دلیل عدم بسط این مسئله تضمین معمولاً ذیل مسائلی همچون منصوب بنزع خافض یا معانی حروف جر یا تعدیه و لزوم افعال مطرح شده. در کتب بلاغی هم معمولاً ذیل بحث مجاز، تضمین بررسی می شده. اما در بعضی از کتب معاصر با عنوانی مختص به خود از تضمین بحث می کنند. مثل کتاب الاشباه و النظائر

قلمرو مسئله ی تضمین را می توان از کتبی که در این باره بحث کرده اند فهمید. شاید بتوان ادعا کرد شناخت مفسر از مسئله ی تضمین با توجه به کثرت آیاتی که احتمال تضمین در آنها داده شده بسیار موثر در برداشت هایش خواهد بود. تضمین در برداشت از احادیث هم اثر به سزایی دارد که خود نیاز به بررسی بیشتر دارد.

در این مقاله به بعضی از مسائل اصولی هم اشاره شده بعضی از مسائل مطرح شده پیش فرض گرفته شده و در بعضی اثر اتخاذ هر نظر بررسی می شود. مسائلی از علم بلاغت هم در این مقاله مطرح شده که شاید نیاز به بررسی بیشتر در علم بلاغت دارد. اما آنچه بیشتر در این مقاله مورد توجه قرار گرفته بحث تحلیل مسئله ی تضمین است.

در نوشتن این مقاله از مقاله های دیگری که در این باره نوشته شده نیز کمک گرفته شده مثل (نگاهی به مسئله ی تضمین) و (نگاهی به مسئله ی تضمین کلمات در زبان عربی) و (بررسی مبحث تضمین در علم نحو) اما آنچه سعی شده در این مقاله مورد توجه قرار گیرد، بحث افزایش قدرت نقد و بررسی مسائل نحوی است. ما سعی کرده ایم علاوه بر اهمیت به نقل سخنان نحویون در مورد این مسئله به نقد و بررسی آنها هم پردازیم. تا قوه ی نقد و بررسی آراء و اخذ نظر درست را در مطالعه کننده ایجاد کند. مسئله ای که در مقاله های نوشته شده در مسئله ی تضمین و مسائل دیگر نحوی کمتر دیده شده است. لذا روش تحقیق ما در این مقاله استنباطی و تحلیلی است علاوه بر جمع آوری و نقل سخنان نحویون در مورد تضمین. امید است این مقاله باعث افزایش دغدغه در محصلان برای نقد و بررسی اقوال نحویون بشود.

یکی دیگر از ویژگی های این مقاله این است که برای نوشتن آن هم به کتب قدیمی و هم به کتب معاصر مثل کتاب تضمین در قرآن از نگاه مفسران مراجعه شده؛ در این کتاب تحقیقات جامع و کاملی در مورد تضمین در

کتاب تفسیری صورت گرفته که کارهای پژوهشی فوق العاده ایی می توان روی مطالبش انجام بگیرد. مثلاً می توان با توجه به مواقعی که یک مفسر تضمین به کار برده و شکل به کار بردن تضمین توسط یک مفسر نظر کلی او را در مورد تضمین کشف کرد و انجام این تحقیق به وسیله ی این کتاب بسیار آسان می شود.

ما در این مقاله سعی داریم تعریفی دقیق از تضمین ارائه دهیم و برای این کار نیاز به ارائه و بررسی تعاریف نحویون و نقد و بررسی ویژگی های تضمین داریم بعد از رسیدن به تعریفی دقیق از تضمین سعی می کنیم دیگر ویژگی های تضمین که در کتب مختلف برای آن نام برده شده نقد و بررسی کنیم و سپس با ذکر فوائد و روش ترجمه و اثر تضمین در قرآن و ارائه ی نامی از تفاسیری که در آنها از تضمین استفاده شده و سپس با بیان خاتمه این مقاله را تمام می شود.

تضمین در لغت

تضمین در لغت به یک معنای واحدی بر می گردد که در کتب لغوی و نحوی به آن پرداخته شده البته بر خلاف بقیه بحث های مربوط به تضمین بر سر معنای لغوی این واژه اختلاف زیادی نیست و با رجوع به کتب مربوطه می توان معنای این لفظ را فهمید مثلا ابن منظور در لسان العرب ماده ی ضمن را دو مفعولی و به معنای آن فرد چیزی را در ضمن چیز دیگر قرار داد همان طور که شما متاعی را در ظرف قرار می دهید یا میت را در قبر قرار می دهید (ابن منظور، محمد بن مکرّم، ۷۱۱ ه.ق، ج ۳، ص ۲۳۳۲) بیان کرده همین طور تفتازانی در مختصر خود به قرار دادن چیزی در ضمن چیز دیگر اشاره نموده و مثال به قرار دادن باب های مختلف در یک کتاب زده (تفتازانی، مسعود بن عمر، ۱۳۷۶، ص ۱۲۹) در کتب لغوی دیگر نیز حدودا به همین معنا اشاره شده است. در نتیجه می توان فهمید معنای لغوی تضمین همان قرار دادن شی در شی دیگر است

۲. تضمین در اصطلاح

در کتب مربوط به ادبیات عرب لفظ تضمین کاربردهای فراوان دارد اما در کتب ادبی از تضمین به عنوان یک اصطلاح علمی در دو علم مختلف بحث می شود اصطلاحی در علم بلاغت است و اصطلاح دیگر در علم نحو است

تضمین در علم بلاغت

بحث تضمین در شعر معمولا در آخرین بحث کتب بلاغی یعنی در بحث سرقات شعری مطرح می شود منظور از تضمین در این بحث این است که شاعری بخشی از شعر شاعر دیگر را در شعرش بیاورد (هاشمی، احمد، ۱۳۸۱ ه.ش، ص ۳۰۰) این بحث در ادبیات فارسی نیز مطرح می شود برای مثال تضمینی در شعر مشهور علی ای همای رحمت وجود دارد در یکی از ابیات ذیل بیت:

چه زخم چونای هر دم ز نوای شوق تو دم

که لسان غیب خوش تر بنوازد این نوا را

بیتی از حافظ آمده است که:

(همه شب در این امیدم که نسیم صبح گاهی

به پیام اشنایی بنوازد اشنا را)

البته همان طور که در بالا نیز آمده در فارسی بیت یا مصراع آورده شده از شعر دیگر رادر پراکنش می گذارند حال

برای بیان بهتر مثال دیگری از زبان عربی می زنیم مثل شعر حریری که در مصراع دومش از شعری که فرد

زندانی خوانده به عنوان تضمین به کار برده است (احمد الهاشمی، ۱۳۸۱ ه. ش، ص ۳۰۱):

علی أنى سانشد عند بیعی

(اضاعونی وای فتی اضاعوا)

هرچند بررسی تضمین در علم نحو نیاز به وارد شدن به مسائلی در علم بلاغت هم دارد؛ اما این مسئله موجب

خلط با تضمین در علم بلاغت نیست زیرا تضمین در اصطلاح علم نحو کاملاً با آنچه در اصطلاح علم بلاغت

گفته می شود متفاوت است.

تضمین در علم نحو

برای بررسی تعاریف تضمین و برگزیدن تعریف بهتر به ذکر چند تعریف از تضمین خواهیم پرداخت:

۱ و هو ان يؤدي فعل او مافى معناه مؤدى فعل اخر او ما فى معناه _ فيعطى حكمه فى التعديه واللزوم (حسن، عباس، ۱۳۶۷ هـ. ش، ج ۲، ص ۱۵۹) تضمين عبارت است از اينكه فعلى يا آنچه در معنای فعل است معنای فعل ديگر را در بر بگيرد و به آن فعل حكم خودش در متعدى و لازم بودن را بدهد.

۲ اشراب اللفظ معنا اخر و إعطاؤه حكمه لتصير الكلمه تؤدى مؤدى كلمتين (زمخشرى، محمود بن عمر، ۱۴۰۷ هـ. ق، ج ۲ ص ۴۹) تضمين عبارت است از اشراب کردن به لفظى معنا و حكم لفظ ديگرى را به صورتى كه يك لفظ معنا و حكم دو كلمه را در بر بگيرد.

۳ التضمين هو ان يقصد بلفظ فعل معناه الحقيقى و يلاحظ معه معنى اخر يناسبه و المعنى الاخر مراد يدل عليه ذكر متعلقاته فتاره يجعل المذكور اصلا و المحذوف حالا وتاره يجعل المحذوف اصلا والمذكور حالا (جامى، عبد الرحمن بن احمد، بى تا، ج ۱ ص ۶۵) تضمين عبارت است از اين كه علاوه بر معنای حقيقى فعل معنای ديگرى كه مناسب با معنای حقيقى فعل باشد برای آن فعل در نظر گرفته شود كه گاهى آن معنای مذکور اصل و معنای محذوف حال گرفته مى شود و گاهى بالعكس

۴ التضمين اشراب اللفظ معنى زائدا على الاصل كمعناه من غير تغييره عن صيغته الاصلية (صبان، محمد بن على، بى تا، ج ۳ ص ۴۰۱) تضمين عبارت است از اشراب کردن به لفظى معنای زائد بر معنای اصلى ان لفظ بدون اينكه صيغه اصلى ان دچار تغيير شود

این ۴ تعريف شايد بتوان گفت جامع تمام تعاريفى است كه در مورد تضمين شده و تعاريف ديگرى كه در كتب ديگر ذكر شده در بردارنده ي همين مطالب هستند كه در طول مقاله سعى داريم از ان ها نيز به مناسبت استفاده بفرماييم اما برای فهم بهتر تضمين بهتر است به طور تخصصى ويژگى هاى ذكر شده در تعاريف را بررسى كنيم و در ضمن روشن ساختن ويژگى هاى تضمين ؛ تعريف دقيقى برای تضمين پيدا كنيم.

۳. مواقع تضمين

از تعريف اول مى توان برداشت كرد كه تضمين فقط در افعال و شبه افعال است ولى از تعريف هاى ذكر شده ي ديگر باتوجه به ذكر لفظ در تعريف ممكن است برداشت شود كه تضمين در اسم و حرف هم ممكن است

وجود داشته باشد پس اولین سوال در مورد تضمین که باید به آن پاسخ داد این است که آیا تضمین فقط در فعل و شبه فعل است یا در اسم و حرف نیز وجود دارد؟ برای پاسخ به این سوال علاوه بر بررسی وجود تضمین در اسما و افعال و حروف به اقسام تضمین در هر کدام می پردازیم

۴. اقسام تضمین

همان طور که در تعاریف ذکر شده دیده شد وجود تضمین در افعال مورد اتفاق است و با توجه به منشاء تضمین که در مقدمه ذکر شد منشاء دعوا در افعال است و اگر کمی در مورد تضمین در کتب ادبی جست و جو شود دیده خواهد شد که مثال های اساسی تضمین در افعال است به خاطر این دلایل اول به بررسی تضمین در افعال می پردازیم.

همان طور که گذشت مهم ترین منشاء تضمین وجود افعال در کنار حروف جاره ناهماهنگ با آنها بود به همین دلیل یکی از موارد تضمین در افعال متعدی ساختن افعال لازم است چه متعدی به معنی الاعم مثل ایه ی احل لکم اللیله الصیام الرفث الی نساءکم که رفت متعدی با الی نمی شود مگر با تضمین معنای الافضاء (سیوطی، جلال الدین، عبد الرحمن بن ابی بکر، ۱۴۲۱ ه. ق، نوع ۵۲ مسئله ۴۳۲۴) چه متعدی به معنی الاخص لذا ابن هشام در مغنی در بحث از اموری که موجب تعدی فعل قاصر می شود تضمین را ذکر می کند السادس التضمین فلذلک عدی رَحَبَ و طَلَعَ الی مفعول لما تضمننا معنی وسع و بلغ ویختص التضمین عن غیره من المعدیات بانه قد ینقل الفعل الی اکثر من درجه و لذلک عدی ألوت بقصر الهمزه بمعنی قَصُرَت الی مفعولین بعد ما کان قاصرا وذلک فی قولهم لا آلوک نصحا ولا آلوک جهدا لما ضمن معنی لا امنعک ومنه قوله تعالی لا یالونکم خیبالا (آل عمران، ۱۱۸) و عدی اخبر و خبر و..... الی ثلاثه (ابن هشام، عبد الله بن یوسف، بی تا، ص ۲۸۵) در مورد این نوع تضمین در افعال به همین دو مورد بسنده می کنیم اما باید بدانیم که مثال های این نوع تضمین بسیار فراوان در کتب ادبی و مخصوصا قرآن وجود دارد. نکته ی مهم دیگر در مورد مرتبه تضمین در بین دیگر مسائل نحوی است که خودش نیاز به بررسی های بیشتری دارد؛ مثلا عده ای تضمین را بر منصوب بنزع خافض گرفتن هم اولویت می دهند مثلا در کتاب حدائق الندیة از قول شیخ بهائی این قول نقل شده و دلایل ایشان نیز آمده است قال المصنف فی شرح الأربعین: التضمین أولى من الحمل علی النصب بنزع الخافض، فإن التضمین

أكثر ورودا في اللغة و أدق مسلکا، انتهى و لكثرة الاستعمال «نحو: ذهب الشام» أي إلى الشام، لأنهم كانوا ينتجعونها كثيرا، فيحتاجون إلى الإخبار عن ذهابهم إليها غالبا، فحذفوا الجار تخفيفا (مدني، عليخان بن احمد، بي تا، ص ۳۰۴) قائل ديگر اين قول را می توان شيخ رضی دانست (رضی الدين استر آبادی، محمد بن حسن، بی تا، ج ۴ ص ۱۳۷) البته نظر دیگری هم هست که در منصوب به نزع خافض قائل به مجاز در مفعول شدن بهتر است از تضمین (مصطفی، جمالی، ۱۳۹۶ ه.ش، ج ۴ ص ۱۴۱)

در مورد اسم هم حدودا نحوییون اتفاق در رخ دادن تضمین در اسماء شبه فعل دارند برای مثال متنی را از الاتقان سیوطی میاوریم واما فی الأسماء فأن یضمن اسم معنی اسم لإفادة معنی الاسمین معا نحو { حقیق علی ألا أقول علی الله إلا الحق } ضمن حقیق معنی حریرص لیفید أنه محقوق بقول الحق وحریرص علیه (سیوطی، جلال الدین، عبد الرحمن بن ابی بکر، ۱۴۲۱ ه. ق، نوع ۵۲ مسئله ۴۳۲۴) اما در مورد تضمین در باقی اسماء می توان گفت طبق استعمال رایج در تضمین معمولا تضمین به غرض رفع ناسازگاری بین فعل و حرف جر یا تعدیه فعل لازم و برعکس به کار می رود و این در باقی اسماء معنا ندارد ولی اگر قائل به مجاز بودن تضمین بشویم و صرف مجاز بودن تضمین را در نظر بگیریم بدون اینکه حل یکی از دو مشکل بالا را در تضمین بودن شرط بدانیم هر جا مجاز لغوی وجود دارد را می توان تضمین نامید البته باید توجه داشت گاهی اسماء مجرور به حروف جری می شوند که معنای نزدیک بهم ندارند اما در این استعمالات آنچه رخ داده مجاز در اسناد است نه مجاز لغوی.

اما در مورد تضمین در حروف باید بگوییم که تضمین در حروف هم مثل اسماء غیر شبه فعل هست. و اما در معنی ابن هشام گاهی استعمال تضمین در جایی شده است که نه مشکل ناسازگاری فعل با حرف جر را حل می کند نه مشکل تعدیه و لزوم فعل را ایشان در مورد لو می گوید گاهی معنای تمنی درونش اشراب می شود (ابن هشام، عبد الله بن یوسف، بی تا، ص ۱۹۹) البته شاید بتوان گفت استعمال تضمین هم در اینجا با توجه به آمدن دو جواب یعنی هم جواب شرط و هم جواب تمنی است و این که یک حرف توانسته بیشتر از ظرفیت خود اعراب بدهد بی دلیل نیست. در مورد تضمین در حروف این نکته هم که در کتاب النحو التطبیقی اشاره شده مهم است که عده ایی هم بین تضمین و نیابت خلط کرده اند (نهر، هادی، بی تا، ج ۲، ص ۷۱۱) و ان شا الله در مورد نیابت و تضمین و فرقایین دو مفصلا بحث خواهیم کرد.

۴. تضمین اخذ و اخذ یا اخذ ورفض

بعد از اینکه فهمیدیم مواقع تضمین در کجاست باید سراغ این رفت که آیا در تضمین یک لفظ معنای خود و لفظی که حذف شده را می دهد مثل سه تعریف اخر بالا؛ یا اینکه در تضمین لفظ ذکر شده فقط معنای لفظ محذوف را دارد و معنای خود را از دست می دهد این طور که از تعریف اول می توان برداشت کرد. یعنی آیا در تضمین لفظ ذکر شده معنای خود را از دست داده و معنای دیگری می دهد یا نه هم دال بر معنای خود است و هم معنای دیگری که درون لفظ اشراب کرده ایم؟

البته اثر این دو نظر بیشتر در ترجمه خود رانشان می دهد به همین دلیل در کتب تفسیری که تضمین را در ترجمه های خود لحاظ کرده اند می توان اثر این دو نظر را دید.

با توجه به بحثی که در مجاز یا حقیقت بودن مجاز خواهد آمد در حالی که ما تضمین را مجاز بگیریم کنار هم بودن دو معنا (معنای اصلی لفظ و معنای لفظ محذوف) امری اجتناب نا پذیر است چرا که همان طور که اشاره خواهیم کرد قرار گرفتن معنای مجازی در کنار معنای حقیقی امری است که باعث بلیغ بودن مجاز می شود و این نه تنها بلاغت مجاز بلکه از فوائد تضمین نیز به شمار می رود چنانچه برای بعضی انقدر این نکته برجسته بوده که در تعریف خود از تضمین به این فائده اشاره کرده اند مثل تعریف دوم ذکر شده. به همین دلیل با توجه به دو مقدمه ایی که در آینده بر سرش بحث خواهیم کرد (تضمین مجاز لغوی است، در هر مجازی لغوی هم معنای اصلی لفظ و هم معنای مجازی لفظ لحاظ می شود) می توان گفت تضمین فقط اخذ و اخذ است و تضمین اخذ ورفض نداریم همان طور که از تفاسیر بزرگی مثل کشاف (زمخشری، محمود بن عمر، ۱۴۰۷ ه. ق، ج ۲، ص ۴۸۱) و المیزان (طباطبایی، محمد حسین، ۱۳۹۰ ه. ق، ج ۱، ص ۱۰) اما یک نکته ایی که شاید ابهام داشته باشد و باید بحث شود این است که چه طور می شود یک لفظ دو معنا را باهم داشته باشد و ما جواب این سوال را به دلیل حفظ اختصار مقاله و برای دوری از تشویش در ذهن خواننده در ضمن بحث بلاغت مجاز توضیح خواهیم داد.

۵. تضمین حقیقت یا مجاز بودن

در مورد حقیقت بودن یا مجاز بودن تضمین نظرات مختلفی وجود دارد که باید بررسی شوند البته قبل از ورود به بحث لازم است ذکر کنیم عده ای هم قائل به کنایه بودن تضمین هستند (دسوقی، محمد، ۱۳۳۲ ه. ق، ج ۲، ص ۳۰۵، ۳۰۶) (ازهری، خالد بن عبد الله، بی تا، ج ۲، ص ۴-۷) که در ضمن بحث آنها را رد خواهیم کرد و عده ای هم قائل به جمعی بین مجاز و حقیقت اند نظرات مختلف موجود در این بحث همراه با قائلینش را می توان در کتاب النحو الوافی پیدا کرد (حسن، عباس، ۱۳۶۷ ه. ق، ج ۲، ص ۵۲۳) علت عدم ذکر دو نظر بالا در عنوان و عدم پرداختن جداگانه به این دو نظر این است که با توجه به نظر اصح استعمال کلمات یا مجازی است یا حقیقی و با توجه به این کنایه هم یا حقیقت است و یا مجاز و نمی توان قسم سومی در بین این دو اضافه کرد از تعریف ما از مجاز هم می توان این مطلب را فهمید اما قبل از ورود به بحث لازم است که اول کمی در مورد تعریف مجاز بحث کنیم و بعد به تضمین و مجاز بودن آن خواهیم پرداخت و بعد از آن در مورد نیابت نیز که جزء نظرات مقابل تضمین هست استطرادا بحث خواهیم کرد.

۶. تعریف حقیقت و مجاز

چون در مورد مجاز هم در کتب اصولی و هم در کتب بلاغی بحث می شود بحث از حقیقت و مجاز کمی دشوار است لذا برای حفظ اختصار سعی می کنیم فقط به نکات مهم و مربوط اشاره کنیم و بررسی مفصل تر را به جاهای دیگر می سپاریم.

تعریف حقیقت

الحقیقه: «الكلمة المستعملة فيما وضعت له، في اصطلاح التخاطب»؛ و الوضع: تعيين اللفظ للدلالة على معنى بنفسه؛ فخرج المجاز؛ لأن دلالته بقريته، دون المشترك، و القول بدلالة اللفظ لذاته ظاهره فاسد (تفتازانی، مسعود بن عمر، بی تا، ص ۸۴) حقیقت یعنی کلمه استعمال در معنای موضوع له خود شود در مورد دلالت لفظ بر معنا در اصول نیز بحث می شود عده ای این دلالت را ذاتی میدانند که در متن بالا نیز آمده و آنها را رد می کند البته

در اینجا خیلی اشاره به جواب آنها نشده اما در جاهای دیگر جواب های بسیار مهم و دقیقی داده شده که حتی بیان ادرس های جواب ها تعداد صفحات مقاله را از حد خارج می کند چرا که هم در کتب تفسیری هم در کتب اصولی و هم بلاغی به مناسبتی این بحث مطرح شده و می توان با جرات گفت نظر صحیح دلالت وضعی لفظ بر معنا است اما بحث بعدی که این نیز بحث مفصلی دارد این است که وضع یعنی چه که باز در بالا بیان شده تعیین و قراردادن لفظ برای دلالت کردن بر معنایی هست به نفسه نه باقرینه برای فهم بیشتر این مطلب نیاز به بیان دلالت تصویری و تصدیقی است.

دلالت تصویری و تصدیقی

دلالت تصویری همان معنایی است که به مجرد شنیدن لفظ به ذهن می آید و دلالت تصدیقی همان معنایی است که مربوط به اراده ی گوینده می شود معنای اصلی لفظ همان معنای تصویری است که معنای ما وضع له و موضوع له کلمه است به همین دلیل می توان در مورد دلالت تصویری ویژگی های زیر را برشمرد

ادامی بودن دلالت: دلالت تصویری همیشه به ذهن می آید اما برای فهم دلالت تصدیقی گاهی نیاز به قرائن دارد

۲عدم نیاز به استعمال در جمله برای کشف دلالت تصویری: دلالت تصویری نیاز به استعمال در جمله ندارد تا ببینیم دلالت تصویری لفظ نیست بلکه به طور مفرد نیز می توان فهمید مثلا معنای لفظ اسد بدون به کار بردن در جمله نیز می توان فهمید منظور حیوان مفترس است اما در دلالت تصدیقی الفاظ می توان گفت به نوعی فقط می توان در جملات دلالت تصدیقی الفاظ را فهمید.

۳عدم تغییر دلالت تصویری: دلالت تصویری الفاظ خواه مفرد باشد خواه در جمله تغییر نمی کند اما دلالت تصدیقی گاه ممکن است مطابق با معنای تصویری باشد و گاه ممکن است خلاف آن باش.

۴عدم نیاز به اراده: دلالت تصویری الفاظ با شنیدن لفظ به ذهن آدم می رسد اما درباره دلالت تصدیقی نمی توان این طور گفت. الفاظ وقتی دلالت تصدیقی دارند که التفات به دلالت تصویری آنها داشته باشیم. اگر التفات به دلالت تصویری الفاظ نباشد. هیچ دلالتی برای لفظ به وجود نمی آید مثلا کسی در خواب بگوید من هزار

تومان به فلانی خواهم داد چون در اینجا متکلم اصلا اراده و قصدی ندارد این کلام فقط معنای تصویری دارد به همین دلیل حتی وقتی فرد التفات به دلالت تصویری الفاظ دارد و شوخی می کند نیز دلالت تصدیقی دارد. با توجه به این نکات و تعریف بالا که از مطول در مورد حقیقت آوردیم می توانیم ادعا کنیم حقیقت یعنی استعمال لفظ در معنای تصویری یا بهتر بگوییم مطابقت معنای تصدیقی با معنای تصویری اما حالا بحث ما این است که آیا می توان تضمین را حقیقت گرفت که باید بعد از بحث از مجاز به این سوال پاسخ داد البته بحث از اصطلاح مخاطب و دیگر مباحث تخصصی را طبق وعده مان چون ربطی به بحث ندارند به جاهای مربوطه ارجاع می دهیم.

تعریف مجاز

تعریف البلاغیین: عرفه الجرجانی بقوله: «المجاز كل كلمة أريد بها غير ما وقعت له في وضع واضعها لملاحظة بين الثاني و الأول..... أما الخطيب القزويني فرأى ان المجاز يكون في المفرد و في المركب. و هو عنده: الكلمة المستعملة في غير ما وضعت له في اصطلاح التخاطب على وجه يصح مع قرينه عدم إرادته، فلا بد من العلاقة ليخرج الغلط و الكناية المجازی المقصود (محيي الدين، ادیب، بی تا، ص ۱۸۵)

با توجه به معنای حقیقت می توان گفت مجاز یعنی استعمال لفظ در غیر ما وضع له البته منظور ما از مجاز در اینجا مجاز لغوی است و مفرد و این نیاز به اثبات ندارد چرا که بحث تضمین لغوی است و به اسناد کاری ندارد و مجاز در مرکب نیز نیست چون در تعاریف تضمین لفظ یا فعل آمده پس می توان مثل حقیقت مجاز را نیز تعریف به عدم مطابقت دلالت تصدیقی با دلالت تصویری بکنیم. حال لازم است مختصری در مورد قرینه صحبت کنیم و ببینیم آیا فقط در مجاز قرینه نیاز است یا اگر در جاهای دیگر نیز نیاز است و اگر نیاز است، فرق قرینه مجاز با بقیه قرینه ها در چیست؟

قرینه

نیاز به قرینه در مجاز نیاز برای پیدا کردن دلالت تصدیقی است. یعنی در اصل وظیفه ی قرینه این است که به ما نشان دهد این لفظ در معنای موضوع له خود به کار نرفته (قرینه ی صارفه) و در معنای دیگری به کار می رود (قرینه معینه) در اصل ما با قرینه دلالت تصدیقی لفظ را می فهمیم اما ما می بینیم در استعمال لفظ مشترک لفظی هم نیاز به قرینه داریم ولی با توجه به توضیح بالا می توان فهمید قرینه در مشترک لفظی با قرینه در مجاز فرق دارد قرینه در مشترک لفظی دیگر فقط نیاز به تعیین معنای تصدیقی بین معانی مختلف وضع شده برای لفظ است. در کتاب دروس فی البلاغه نیز به این فرق به شکل دیگر اشاره شده: نعم، القرینة فی المشترك إنما هی لتعین المراد بخلاف المجاز فإن القرینة فیہ محتاج إليها فی نفس الدلالة علی المعنی المجازی. (محمدی، بامیانی، غلامعلی، بی تا، ج ۴ ص ۷۹)

تضمین حقیقت است یا مجاز

با توجه به مطالب بالا می توان نتیجه گرفت بحث از حقیقت یا مجاز بودن بعد از شناخت دلالت تصویری مطرح می شود یعنی اول باید جدای از استعمال لفظ به وسیله ی راه های دست یابی به حقیقت و مجاز که در کتب اصولی آمده مثل تبادر و... دلالت تصویری لفظ را فهمید بعد به سراغ استعمالش در جمله برویم آنگاه بحث کنیم که آیا دلالت تصدیقی هم همان دلالت تصویری هست یا نیست پس در هر دو صورت لفظ همان دلالت تصویری را دارد؛ اما گاهی با نظر به آن معنا در معنایی غیر از آن استعمال می شود که مجاز است و بلاغت مجاز که بعدا در موردش باید صحبت کنیم از این امر ناشی می شود با توجه به این مقدمات دیگر مسئله روشن است که تضمین مجاز است چرا که دلالت تصویری فعل کنار رفته و معنای دیگر جانشین او شده که قرینه ما را به سمت معنای دوم راهنمایی می کند در اینجا قائل به اشتراک هم نمیتوان شد چرا که علما مجرد استعمال را دلیل بر حقیقت بودن نمی دانند از این رو استعمال اعم است از حقیقت و مجاز بودن و تا زمانی که حقیقی بودن معنا به وسیله ی علامات خاص خود ثابت نگردیده است؛ نمی توان استعمال را دلیل حقیقت دانست و حتی وقتی امر بین مجاز بودن یا اشتراک بودن مشتبه می شود مجاز را مقدم می دانند چرا که اشتراک نیاز به وضع مجدد دارد البته در تضمین اصلا بحث به اینجا نمی رسد چرا که استعمال فعل در معنای تضمینی انقدر کم است که نفس احتمال وضع نمی دهد. برای اثبات این مطلب یک مثال از تذکره الفقها

خواهیم زد که در آن علامه حلی در بحث معنای حرف الی می فرماید: و نمنع استعمال الی بمعنی مع حقیقه لانها للحد حقیقه فلا تكون حقیقه فی غیرها دفعا للاشتراک والاستعمال لا يدل عليه والمجاز اولی من الاشتراک (حلی، حسن بن یوسف، ۱۴۱۴ه.ق، ج ۱۱، ص ۵۲) با این مطلب بعدا در نیابت هم کار خواهیم داشت اما در مورد کنایه بودن تضمین اگر کسی کمی با این دید به مثال های تضمین نگاه کند خواهد دید که تمامی موارد تضمین این طور نیست که معنای لفظ محذوف لازم معنای لفظ ذکر شده باشد همان طور که در کنایه این طور است. اگر هم این طور باشد با دقت به منشاء تضمین خواهد یافت ما در تضمین قرینه ی مانع از اراده ی معنای اصلی به تنهایی داریم و ان هم ممکن است آمدن مفعول برای فعل لازم یا آمدن حرف جر نا هماهنگ با فعل باشد و در کنایه قرینه ی مانع وجود ندارد مگر از بیرون قرینه داشته باشد مثل ید الله که با توجه به علم ما از بیرون که خدا جسم ندارد نمی توان معنای حقیقی را گرفت والا در لفظ اشکالی وارد نمی شود اگر هر دو معنا (معنای حقیقی و کنایی) گرفته شود و شاهد بر این مطلب است گمراهی عده ایی که قائل به جسمانیت خدا شده اند. در نتیجه تضمین مجاز است و به این مطلب عده ایی از نحویون و بلاغیون هم اشاره کرده اند و منها التضمین وهو إعطاء الشیء معنی الشیء و یكون فی الحروف والأفعال والأسماء... انما كان التضمین مجازا لأن اللفظ لم یوضع للحقیقه و المجاز معاً فالجمع بینهما مجاز (سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، ۱۴۲۱ ه. ق، نوع ۵۲) التضمین [أیضا مجاز؛ لأن اللفظ لم یوضع للحقیقه و المجاز معاً، و الجمع بینهما مجاز خاص یسمونه بالتضمین]، تفرقه بینة و بین المجاز المطلق (زرکشی، محمد بن بهادر، ۱۴۱۰ ه. ق، ج ۳، ص ۴۰۲) به ذکر همین دو نحوی بزرگ اکتفا می کنیم.

۶. در کنار هم گرفتن دو معنا

در این بخش می خواهیم پاسخ دهیم چه طور می شود دو معنا (معنای مجازی و حقیقی) در کنار هم لحاظ شوند. همان سوالی که از آخر بخش اخذ و اخذ بودن تضمین مطرح شد.

قبل از پرداختن به این مسئله نیاز است که ما مبنایی خود را در بحث استعمال لفظ در اکثر از یک معنا در علم اصول فقه را پیدا کنیم. در این بحث سوال اصلی انجا است که آیا می شود از یک لفظ استعمال شده در جمله

دو معنا را کنار هم برداشت کرد یا نه؟ به دلیل بسط فراوان و آراء مختلف در این بحث ما ثمره‌ی هر دو نظر را توضیح می‌دهیم و اتخاذ مبنا را به مجال دیگر می‌سپاریم.

اگر ما در این بحث قائل شویم که می‌شود از یک لفظ بیش از یک معنا در یک استعمال برداشت کرد در اینجا مشکلی نداریم و اشکالی پیش نمی‌آید که فعل مذکور هم معنای خودش را داشته باشد هم معنای مجازی خود را در کنار هم. اما اگر قائل شویم که این نوع استعمال درست نیست یا واقع نشده آنگاه برای حل این مشکل چند راه پیش روی ما هست. یکی اینکه بین معنای اصلی فعل و معنای مجازی معنای عامی تصور کنیم که هر دو معنا را دارد و فعل مذکور دال بر آن معنای مجازی عام است. دیگر با بلاغت مجاز اینجا را درست کنیم؛ یعنی خواننده با نظر به معنای حقیقی، معنای مجازی را قصد کرده است. که البته این منظور از کلام نحویون خیلی بر نمی‌آید. برای روشن شدن بیشتر مسئله به شرح بلاغت مجاز می‌پردازیم.

۶-۱ بلاغت مجاز

نسبت معنای مجازی به لفظ سبب نمی‌شود که معنای مجازی ابتداء به ذهن آید زیرا در این صورت در مجاز هیچ زیبایی به کار نرفته است. مثلاً در تعبیر زید اسد اگر بگوییم لفظ اسد در معنای رجل شجاع به کار رفته و گویا گفته شده زید رجل شجاع است این هیچ بلاغتی ندارد در حالی که انسان این دو تعبیر را باهم یکسان نمی‌بیند و بلاغت زید اسد را بسیار بسیار بالا تر از زید رجل شجاع می‌داند؛ و دلیل این زیبایی چیزی نیست جز بقای معنای حیوان مفترس در اسد یعنی استعمال معنای مجازی فقط دخالت در دلالت تصدیقی دارد و دخالتی در دلالت تصویری لفظ ندارد و با نگاه به دلالت تصویری استعمال در غیر می‌کند اساساً بلاغت مجاز از دعوای اتحاد و عینیت به وجود می‌آید اول فرد بین دو معنا اتحاد یا عینیت فرض می‌کند بعد لفظ دیگری را به کار می‌برد به این شکل دو معنا در تضمین و مجاز ملحوظ است

۷. نیابت

اگر بخواهیم اشاره کوتاهی در مورد نیابت داشته باشیم. خواهیم یافت نیابت هم مثل تضمین است و تفاوتش حدوداً در این است که نیابت به سراغ مجاز در حرف جر می‌رود یا مجاز در مفعول تا با فعل سازگار شود. اما تضمین به سمت مجاز در فعل یا شبه فعل می‌رود و فعل یا شبه فعل را سازگار با حرف می‌کند. برای مثال وقتی در خانه‌ای بین شوهر و همسر دعوا می‌شود مشاور باید ببیند با گفتوگو یک طرف قضیه را آرام کند

حالا ممکن است جایی شوهر را آرام کند ممکن است گاهی تشخیص دهد می تواند همسر را آرام کند تا این دعوا از بین برود حالا در جمله هم گاهی بین فعل یا شبه فعل و حرف جر یا مفعول به ناسازگاری به وجود آمده و برای حل این ناسازگاری دو تشخیص وجود دارد یکی کوفیون که قائل به حل ناسازگاری در حرف هستند و یکی بصریون که قائل به حل ناسازگاری در فعل اند اما جواز نیابت حرفی از حرف دیگر از دو حالت خارج نیست

(۱) نیابت در مرحله ی دلالت تصویری حرف که این باطل است. زیرا با چند استعمال همان طور که گذشت نمی توان معنای تصویری الفاظ را تغییر داد یا قائل به اشتراک لفظی شد. همان طور که در تذکره علامه حلی مثالی آوردی.

(۲) نیابت به همان معنای مجاز و شبیه تضمین که این را می توان فارغ از این که آیا منظور کوفیون این است یا نه پذیرفت چنان که در نحو الوافی این معنای نیابت را مورد قبول بصریون قرار داده است.

ان ادی الحرف معنی اخر غیر المعنا الاصلی الخاص به و جب القول بانه یؤدی المعنا الجدید اما تادیه مجازیه ای من طریق المجاز اما تادیه تضمینه (مثال برای مجاز در حروف) مثل علی (که معنای اصلی اش استعلاء است) مثل الكتاب علی المکتب اما فی المثال اشکر المحسن علی الاحسانه (فهم نمی شه استعلاء حقیقی) لم یرد علی خاطرنا ان الشکر قد حلّ واستقر فوق الاحسان لاستحاله هذا وانما الذی یخطر ببالنا هو ان المراد اشکر المحسن لاحسانه وجه شبه ذلک ان لام التعلیل تغید التمكن والاتصال القوی بین السبب والمسبب او بین العله والمعلول والاستعلاء یشبها فی انه یغید التمكن والاتصال بین الشئین قرینه (قرینه هم اشکر است) اذ لایستقر الشکر فوق الاحسان ولا یوضع فوقه وضعا حقیقا (حسن، عباس، ۱۳۶۷ ه. ش، ج ۲، ص ۴۹۶) در مورد این دعوی بین کوفیین و بصریین نیاز به بحث های فراوان دیگر است و برای اتخاذ نظر درست باید اول بررسی کرد که آیا مجاز در حروف می شود یا نه و.... اما برای اینکه نشان دهیم در جاهایی هم از نیابت به عنوان مجاز تعبیر شده در اینجا متنی از کتاب البدیع فی علم العربیه میاوریم که دلالت تصویری حروف جر را یکی ذکر کرده و بعد با توجه به استعمالات معانی مجازی حروف جر را ذکر کرده است برای مثال معانی الی را میاوریم:

و أما "إلی" فهی لانتهاء الغایه، و لها موضعان الأول: حقیقی، کقولک: جئت إلی بغداد، و کقولهم - فی الكتاب - من فلان إلی فلان و یجوز أن یدخل ما تجره فی حکم ما قبله، کقوله تعالی: فاغسلوا وجوهکم و ایدیکم إلی المرافق، فالمرافق داخله فی الغسل، و بعضهم لا یدخلها فیه، کقوله تعالی: ثم أتموا الصیام إلی اللیل الثانی:

مجازی، و هو إذا كانت بمعنى المصاحبه، كقوله تعالى: و لا تأكلوا أموالهم إلى أموالكم ، و قولهم: «الذود إلى الذود إبل»، و قيل: هما هنا بمعنى "مع" ، و من ذلك: قولهم: إنما أنا إليك، أي: أنت غايتي، و قولهم قمت إليه، فتجعله منتهاك من مكانك ، و قيل: هما بمعنى اللام (ابن اثير، مبارک بن محمد، بی تا، ج ۱، ص ۲۴۷)

اما در النحو الوافی در مورد نظر کوفیون می گوید اگر حرفی در معنای دیگری شایع شد در آن لفظ حقیقت می شود و نه مجاز اگر حرف کوفیون این باشد از نظر ما اصلا درست نیست: اما الكوفیون اذا اشتهر معناه فی العرف و شاعت دلالة بحيث يفهمها السامع بغير غموض كان المعنا حقیقیا لامجازیا و كانت الدلالة اصیله لا علاقته لها بالمجاز ولا بالتضمنين ولا بغيرهما فالاساس الذي يعتمد عليه هذا المذهب فی الحكم على معنى الحرف بالحقیقه هو شهره هذا المعنا و شیوعه ان المجاز او التضمنين او نحوهما یقبلان بل یحتملان حين لا یبتدر المعنا الى الذهن ولا یسارع الذهن الى التقاطه بسبب عدم شیوعه شیوعا واضحا جلیا و بسبب عدم اشتهاره و شهره تكفی لكشف دلالة فی یسر و جلاء اما اذا شاع و اشتهر و تكشف للذهن سریعا فان هذا یكون علامه الحقیقیه فلا داعی للعدول عنها (حسن، عباس، ۱۳۶۷ ه. ش، ج ۲، ص ۴۹۹)

یک اشکال دیگر که در کتاب معانی النحو آمده بر کوفیون این است که اگر نیابت قیاسی بود می شود تمام حروف جر را در معنای حرف جر دیگر به کار برد (صالح، السامرائی، فاضل، ۲۰۱۷ م، ج ۳ ص ۷) این اشکال بر کلیت نیابت وارد نیست چرا که اگر نیابت را قیاسی دانست این اشکال وارد است نه بر خود نیابت به معنای غلطش البته اشکال دیگر که در کتاب معنی هم ذکر شده که اگر در حروف جار می شد به جای هم به کار رود پس چرا در حروف دیگر مثل حروف ناصبه نمی شود به جای هم به کار رود نیز بر نیابت وارد نیست. چرا که بین معنای حروف جار می توان جامع و وجه شباهت فرض کرد اما بین معانی حروف جاره و ناصبه نمی توان این را فرض کرد.

۸. تعریفی مناسب برای تضمین

قبل از شروع بحث بعدی باید یاد آور شویم ما در بررسی تعریف درستی برای تضمین بودیم و داشتیم در ماهیت تضمین فعلا صحبت می کردیم شاید اول مناسب باشد تعریف درستی نسبت به تضمین ارائه دهیم و بعد به چند مورد از مسائل تضمین خواهیم پرداخت.

تعریفی که الان ذکر خواهیم کرد تعریفی است که آقای مصطفی جمالی بارها در کتب مختلف خود ذکر کرده اند: تضمین عبارت است از به کار بردن لفظی که مقصود اصلی گوینده از استعمال آن تداعی همان معنایی که با شنیدن آن در ابتداء به ذهن می آید نیست بلکه معنای دیگری را که گونه ای علاقه با آن دارد قصد نموده است البته باید دارای قرینه ای باشد که مقصود اصلی گوینده از لفظ را مشخص کند البته ما این تعریف را مناسب ترین تعریف نمی دانیم چرا که شامل هر اسم و حرفی که مجاز درونش استفاده شده باشد نیز می شود؛ پس بهتر است بگوییم تضمین عبارت است از استعمال مجازی فعل یا شبه فعلی در غیردلالیت تصویری خود به قرینه ی آمدن مفعول یا حرف جر ناسازگار با فعل یا شبه فعل.

۹. فوائد تضمین

برای حفظ اختصاری که تا الان سعی بر آن داشته ایم فقط فوائد را بر می شماریم و بحث از آنها و مثال زدن برای تک تک آنها را به زمان دیگری می سپاریم فقط نکته ی مهم در این زمینه این است که به دلیل مجاز بودن تضمین بعضی فوائد او با مجاز یکی است .

۱مختصر گویی و پرهیز از به درازا کشیدن کلام

۲زیباسازی کلام و استفاده از فنون ادبی

۳پذیرش تضمین باعث می شود در برخی از آیات قائل به زائده بودن حروف نشویم

۴تعدیه فعل لازم به دومفعول

۵در برخی جاها تضمین باعث رعایت فصول آیات می شود

۱۰. روش ترجمه ی تضمین

در مورد تفسیر تضمین در عرب همان طور که در تعریف سوم که در اوایل بحث گذشت آمد گاهی فعل محذوف حال و فعل مذکور به عنوان فعل ذکر می شود؛ و گاهی هم بالعکس گاهی هم دو فعل کنار هم به شیوه ی عطف ذکر می شوند. برای مثال سه نوع تفسیر را در ایه ی لا تاكلوا اموالکم الی اموالهم خواهیم آور:

۱) لا تاكلوا..... متضمنا

۲) لا تضمنا..... آکلا

۳) لا تاكلوا ولا تضمنا....

چون تضمین فقط کنار هم قرار گرفتن دو فعل نیست بلکه با نگاه به معنای فعل اول معنای فعل دوم را قصد کرده ایم به همین دلیل شاید بتوان گفت در روش های ترجمه روش های اول و دوم رواج بیشتری دارند چرا که دو فعل را در یک منزله نیاورده شاید هم بتوان از بین این دو راه راه دوم را برگزید چرا که فعلی که معنای مجازی است را ذکر کرده و معنای حقیقی که زیاد مد نظر نیست را به طور حال آورده.

۱۱. اثر تضمین در معنای آیات

در مورد تضمین در تفاسیر و نموداری از مفسرینی که تضمین را رعایت کرده اند بحث خواهیم کرد؛ اما بحث الان ما در مورد اثر تضمین در معنای آیات است. برای مثال مثالی که در مطول آمده را با شرح مدرس افغانی میاوریم

(نحو قوله تعالى فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ فانه لو اقتصر على وصفهم بالذلة على المؤمنين لتوهم) نظرا الى ظاهر لفظ الذل من غير مراعاة قرنيه المدح (ان ذلك لضعفهم و هذا خلاف ما قصد من الكلام لان المقصود منه مدحهم بما يدل على موالاة المؤمنين و معاملتهم بما يرضيهم لان اذلة من التذلل و الخضوع لا من الذلة و الهوان) (فاتی علی سبیل التکمیل بقوله أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ دفعا لهذا الوهم و اشعارا بان ذلك تواضع منهم للمؤمنين) و التواضع انما يكون عن رفعة لا لنفي قوتهم و من هنا قيل بالفارسیه.

گدا گر تواضع کند خوی او است

تواضع ز گردن فرازان نکو است

(و لهذا) ای لاجل کون ذلک الذل تواضعا منهم (عدی الذل بعلى لتضمنه معنى العطف) مع انه فى الاصل يتعدى باللام فيقال ذل له (کانه قيل عاطفين عليهم على وجه التذلل) و خفض الجناح (و التواضع) هذا الوجه مبنى على قاعدة التضمن (مدرس افغانى، محمد على، ۱۴۰۶هـ.ق، ج ۵، ص ۳۳۵-۳۳۶) در آیه اذله على مؤمنين ممکن بود برداشت شود که اینها از روی نا توانی تواضع در برابر مومنین می کنند که این ویژگی خاصی به حساب نمی آید در جواب می توان چهار جواب داد اولاً اینکه خداوند اینجا در مقام مدح اند و این معنا با مدح نمی سازد ثانياً اذله از تذلل به معنای خضوع است و ونه از ذلت و خاری ثالثاً با آوردن اعزه على الکافرين این تصور رفع می شود رابعاً تضمین است که چون اذله با على متعدی بالمعنى الاعم نمی شود بلکه با لام می شود اینجا را می توان این طور ترجمه کرد که عطف على مؤمنين متذللين او خاشعين این تنها یک آیه بود که با وجود تضمین چنین مفاهیم دقیق و رقیقی ازش استخراج شد ان شاء الله بقیه آیاتی که درونش احتمال تضمین است با بررسی و پژوهش های دیگر ترجمه و شرح داده شود که قرآن منبعی بسیار غنی برای مثال های تضمین است.

۱۲. تضمین قیاسی یا سماعی است

با اینکه در مورد قیاسی یا سماعی بودن تضمین اختلافات شدیدی وجود دارد و عده ی از علما نحو رای به سماعی بودن تضمین داده اند اما بر اساس جمع بندی مجمع لغوی قاهره که در سال های قبل در مورد تضمین تشکیل شده بود. تضمین را قیاسی دانسته اند به سه شرط

۱ تناسب معنایی بین دو فعل (فعل مذکور و فعل محذوف)

۲ وجود قرینه ای که بیانگر تضمین باشد و مانع از افتادن در اشتباه شود

۳ سازگاری تضمین با ذوق سلیم عربی

البته وقتی ما قائل به مجاز بودن تضمین شده ایم و مجاز را نیز قیاسی می دانیم حدوداً نوبت به بحث از قیاسی یا سماعی بودن نمی رسد و گفتن هر سه شرط مجمع قاهره نیز بی فائده می شود. باید حواسمان باشد که ما سه شرط مجمع را قبول داریم اما نه به عنوان شرط قیاسی بودن تضمین بلکه به عنوان شرط مجاز بودن. چون

در کتب اصولی ما حدوداً هر سه شرط وجود دارد و در صورت عدم هر شرط جمله را مجاز نمی دانند بلکه غلط می دانند در تحریر اصول فقه این جملات آمده: استعمال اللفظ فی معناه الموضوع له حقیقه، و استعماله فی غیره المناسب له مجاز، و فی غیر المناسب غلط.

درستی استعمال مجازی، طبعی و پیرو استحسان ذوق سلیم است، نه آنکه بر اذن واضع و رعایت علاقه‌هایی که در علم بیان ذکر شده، متوقف باشد، چون گاهی با آنکه آن علاقه‌ها وجود دارد، استعمال را درست نمی‌یابیم، و به عکس (شیروانی، علی، ۱۳۸۵ ه.ش، ص ۲۸) یا در تقریرات اصول آمده: در مجاز علاوه بر لزوم علاقه میان دو معنی: حقیقی و مجازی، بشرحی که گفته شد، باید قرینه نیز موجود باشد تا ذهن شنونده از معنی حقیقی منصرف و بمعنی مجازی منعطف گردد (شهابی، محمود، ۱۳۲۱ ه.ش، ص ۴۲)

پس این شروط نه تنها در تضمین واجب است بلکه شرط قبولی مجاز نیز هست.

۱۳. اصل یا خلاف اصل بودن تضمین

باز هم بنا بر این که تضمین مجاز است و مجاز خلاف اصل است تضمین نیز خلاف اصل است در کتاب مدرس افغانی در شرح مطول به این مطلب به اشاره شده (مدرس افغانی، محمد علی، ۱۳۶۲ ه.ش، ج ۵، ص ۹۱)

۱۴. تضمین در قرآن

اگر بخواهیم صادقانه در مورد تضمین در قرآن صحبت کنیم شاید بتوان گفت چند سوره ی معدود است که در آنها گمانه زنی نسبت به وجود تضمین در آیاتش نشده است. در کتاب تضمین در قرآن از نگاه مفسران که آقای حمید الهی دوست نوشته است در مورد تضمین تا ۴۸۶ آیه از قرآن ذکر می کند که در آنها استفاده از تضمین به عنوان یک نظر بیان شده. البته بعضی از این آیات را هم بررسی و رد کرده اند و بعضی را نیز تایید نموده اند اما آنچه نیاز است و ما درصدد هستیم تا در گفتار دیگری در این باره بنویسیم معجمی از آیات است که در آنها احتمال تضمین رفته و از سوی چه مفسری این احتمال گفته شده تا ان شاء الله با این کار راه برای محققین باز

تر شود تا بتوانند نظر هر مفسر در مورد تضمین را با توجه به بررسی آیاتی که احتمال تضمین در آنها داده است بررسی و بیان کند.

اما اگر بخواهیم نگاهی داشته باشیم به تفاسیری که در آنها از تضمین استفاده شده می توان به این شکل آنها را به ترتیب نام برد:

شیخ طوسی در التبیان فی تفسیر القرآن (ج ۳، ص ۵۴۴)

زمخشری در الکشاف عن الحقائق غوامض التنزیل (ج ۱، ص ۷۴)

طبرسی جوامع الجامع ج ۱ ص ۴۶۶

ابو الفتح رازی روض الجنان وروح الجنان فی تفسیر القرآن (ج ۳، ص ۱۴۶)

بیضاوی انوار التنزیل و اسرار التاویل (ج ۱، ص ۱۰۵)

حسن ابن محمد نیشابوری غرائب القرآن و رغائب الفرقان (ج ۱، ص ۴۸۰)

اندلسی ابو حیان البحر المحیط فی التفسیر (ج ۱، ص ۱۱۳)

ابن کثیر دمشقی تفسیر قران عظیم (ج ۱، ص ۵۵۳)

کاشانی ملا فتح زیده التفاسیر (ج ۱، ص ۴۹۲)

کاشانی ملا فتح منهج الصادقین فی الزام المخالفین (ج ۳، ص ۱۹۱)

عاملی علی ابن الحسین الوجیز فی تفسیر القرآن العزیز (ج ۲، ص ۸۱)

فیض کاشانی ملا محسن التفسیر الصافی (ج ۱، ص ۲۵۶)

شریف لاهیجی تفسیر شریف لاهیجی (ج ۱، ص ۲۱۲)

محمد رضا قمی کنز الدقایق و بحر الغرائب (ج ۱، ص ۱۹۴)

حقی بروسوی روح البیان (ج ۱، ص ۶۸)

مظهر یمحمد ثنا الله التفسیر المظهری (ج ۱، ص ۱۲۸)

شوکانی محمد بن علی فتح القدیر (ج ۱، ص ۲۱۴)

الوسی روح المعانی فی تفسیر قران العظیم (ج ۱، ص ۲۲)

بروجردی تفسیر الصراط المستقیم (ج ۳، ص ۱۱۸)

خطیب عبد الکریم التفسیر القرانی للقران (ج ۵، ص ۴۷۱)

محمد علی سائیس تفسیر آیات الاحکام (ص ۶۵۵)

ابن عاشور التحریر والتنویر (ج ۱، ص ۱۸۵)

طباطبایی المیزان فی تفسیر القران (ج ۱، ص ۴۳۹)

یعقوب جعفری تفسیر کوثر (ج ۱، ص ۱۰۴)

ثقفی تهرانی روان جاوید (ج ۳، ص ۴۶۹)

داور پناه انوار العرفانی فی تفسیر القران (ج ۹، ص ۱۰۹)

طنطاوی التفسیر الوسیط للقران الکریم (ج ۲، ص ۷۶)

سبزواری مواهب الرحمن فی تفسیر القران (ج ۲، ص ۳۱۵)

زحیلی التفسیر المنیر فی العقیده والشریعه والمنهج (ج ۸، ص ۲۲۲)

قرشی احسن الحدیث (ج ۱، ص ۵۲۶)

جوادی املی تسنیم (ج ۵، ص ۲۵۳)

بررسی نظر تک تک مفسران بالا در مورد تضمین خود مجال دیگری نیاز دارد در اینجا برای نمونه به چند مورد محدود می پردازیم

نمونه اول ایه ی ونصرناه من القوم الذین کذبوا بایاتنا (انبیاء، ۷۱) فعل نصر با حرف جر من به کار رفته در حالی که این فعل با حرف جر علی معمولا به کار می رود مثل ایه ی فانصرنا علی القوم الکافرین (بقره، ۲۸۶) به همین دلیل برخی من را در این آیه به معنا ی علی گرفته اند (آلوسی، محمود بن عبدالله، ۱۴۱۵ ه. ق، ج ۹،

ص ۷۰) که طبق بحث های قبل منظورشان به کار رفتن مجاز در علی است با توجه به وجه شبه در نظر گرفته می توان نظر آنها را بررسی کرد اما اگر منظورشان به کار رفتن من در دلالت تصویری اش به معنای علی است اشتباهی بزرگ دچار شده اند اما عده ایی از مفسرین این آیه را مجرای برای تضمین دانسته اند و با توجه به تعدی نصر با من فعل نصر را متضمن معنای نجی دانسته اند یعنی نصرناه افزون برای معنای اصلی خود به طور مجازی معنای استعمالی نجیناه را نیز می دهد و در اصل در معنای نجیناه به کار رفته است پس ترجمه ی حدودا صحیح این طور می شود که و او را بر مردمی که آیات مارا دروغ می انگاشتن پیروز کردیم و از شر آنان رهایی اش بخشیدیم (موسوی، محمد باقر، ۱۳۷۴ ه. ش) در تفسیر الفرقان فی تفسیر القران به بکار رفتن تضمین در این آیه اشاره ایی نکرده و آیه را چنین ترجمه کرده که : و او را از شر مردمی که با نشانه های ما به دروغ گرفته بودند پیروزی بخشیدیم (صادقی تهرانی، محمد، ۱۴۰۶ ه. ق، ج ۱۹، ص ۳۳۶) البته زمخشری در این آیه قائل به بکاررفتن مطاوعه است چرا که انتصر که مطاوعه ی نصر است و با من متعدی می شود و ایشان می گوید در این آیه تضمین به کار نرفته (زمخشری، محمود بن عمر، ۱۴۰۷ ه. ق، ج ۳، ص ۱۲۸) اما به نظر ما در این آیه نیز بر اساس کلام زمخشری نوعی مجاز به کار رفته و این هم باز تضمین است. چون یک فعل در معنای غیردلالت تصویری خود به کار رفته شاید به همین دلیل است که بعضی معنای مد نظر زمخشری را با معنای تضمینی یکی دانسته اند (حلبی، احمد ابن یوسف، السمین، ج ۸، ص ۱۸۴) البته بعضی معنای ارائه شده توسط زمخشری را دور از ذهن دانسته اند (ابوحیان، محمد بن یوسف، ۱۴۲۰ ه. ق، ج ۷، ص ۴۵۷) در تفسیر نمونه از تضمین در این آیه صحبت شده اما شاید به دلیل تردید نویسنده در ترجمه از تضمین خبری نیست. اما علامه طباطبایی بر تضمین در این آیه اشاره کرده اند و در ترجمه نیز اثر این تضمین پیدا می شود. اما نظر دادن در مورد وجود تضمین یا نبود تضمین و در صورت وجود چگونگی تضمین در این آیات و آیات دیگر نیاز به بررسی لغت و اخذ نظر در مورد جایگاه های به کار رفتن تضمین دارد که مجالی بیشتر از این مختصر می طلبد در آخر هدف ما از نوشتن این مقاله بررسی حدود تضمین در غالب های علمی است و نقد و بررسی اقوال نحویین و بلاغیین در کنار اقوال اصولی بود که سعی کردیم کمی در این باره گام برداریم.

خاتمه

پس در یافتیم که تضمین عبارت است از استعمال مجازی فعل یا شبه فعلی در غیرمعنای اصلی خود به قرینه ی آمدن مفعول یا حرف جر ناسازگار با فعل یا شبه فعل. تضمین مجاز و خلاف اصل است اما در صورت رعایت شروط مجاز قیاسی است. همان طور که در مثال ها دیده شد تضمین اثر فراوانی در ترجمه و تفسیر دارد؛ لذا

آشنایی و بحث از تضمین و اتخاذ مبنا برای مفسرین بسیار ضروری است. مختصر گویی و پرهیز از به درازا کشیدن کلام، زیباسازی کلام و استفاده از فنون ادبی، پذیرش تضمین باعث می شود در برخی از آیات قائل به زائده بودن حروف نشویم، تعدیه فعل لازم به دومفعول، در برخی جاها تضمین باعث رعایت فصول آیات می شود از فوائد تضمین است.

منابع

- ۱) احمدی، نویواث، موسی (۱۴۳۶)، معجم الافعال المتعدیه بحرف (چاپ اول)، قم: ذوی القربی
- ۲) سیوطی، عبد الرحمن بن ابی بکر (بی تا)، الأشباه و النظائر فی النحو، بیروتک دار الکتب العلمیه
- ۳) الهی، دوست، حمید (۱۳۹۷)، تضمین در قرآن از نگاه مفسران، قم: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی
- ۴) ابن منظور، محمد ابن مکرم (بی تا)، لسان العرب (چاپ اول)، بیروت: دارصادر
- ۵) تفتازانی، مسعود بن عمر (۱۳۷۶)، مختصر المعانی (چاپ سوم)، قم: دار الفکر
- ۶) زانوس، احمد پاشا، نگاهی به مسئله ی تضمین کلمات در زبان عربی
- ۷) هاشمی، احمد (۱۳۸۱)، جواهر البلاغه (چاپ پنجم)، قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم
- ۸) حسن، عباس (۱۳۶۷)، النحو الوافی مع ربطه بالأسالیب الرفیعہ و الحیاء اللغویة المتجددة (چاپ دوم)، تهران: ناصر خسرو

٩) جامى، عبد الرحمن بن احمد(بى تا)، شرح ملا جامى على متن الكافية فى النحو(چاپ اول)، بيروت: دار إحياء التراث العربى

١٠) زمخشري، محمود بن عمر(١٤٠٧)، الكشف عن حقائق غوامض التنزيل و عيون الأقاويل فى وجوه التأويل(چاپ سوم)، بيروت: دار الكتاب العربى

١١) صبان، محمد بن على(بى تا)، حاشية الصبان على شرح الأشمونى على ألفية ابن مالك و معه شرح الشواهد للعينى(چاپ اول)، بيروت: المكتبة العصرية

١٢) سيوطى، عبدالرحمن بن ابى بكر(١٤٢١)، الإتقان فى علوم القرآن(چاپ دوم)، بيروت: دار الكتاب العربى

١٣) ابن هشام، عبد الله بن يوسف(بى تا)، مغنى اللبيب(چاپ چهارم)، قم: كتابخانه حضرت آيت الله العظمى مرعشى نجفى(ره)

١٤) مدنى، عليخان بن احمد(بى تا)، الحدائق النديئة فى شرح الفوائد الصمدية(چاپ اول)، قم: ذوى القربى

١٥) رضى الدين استر آبادى، محمد بن حسن(بى تا)، شرح الرضى على الكافية(چاپ اول)، تهران: مؤسسة الصادق للطباعة و النشر

١٦) جمالى، مصطفى(١٣٩٦)، نقد مكاتب ادبى(چاپ اول)، قم: دارالفكر

١٧) نهر، هادى(بى تا)، النحو التطبيقى وفقا لمقررات النحو العربى فى المعاهد و الجامعات العربية(چاپ اول)، اربد: عالم الكتب الحديث

- ١٨) طباطبائي، محمد حسين (١٣٩٠)، الميزان في تفسير القرآن (چاپ دوم)، بيروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات
- ١٩) دسوقي، محمد (بی تا)، حاشیة الدسوقي علی مختصر المعانی (چاپ اول)، بيروت: المكتبة العصرية
- ٢٠) ازهری، خالد بن عبد الله (بی تا)، موصل الطلاب الی قواعد الإعراب (چاپ اول)، مصر: بی نا
- ٢١) تفتازانی، مسعود بن عمر (بی تا)، المطول و بهامشه حاشیة السيد مير شريف (چاپ چهارم)، قم: مكتبة الداوری
- ٢٢) ديب، قاسم، محی الدين، محمد احمد (بی تا)، علوم البلاغة، البديع و البيان و المعانی (چاپ اول)، طرابلس: مؤسسه الحديثة للكتاب
- ٢٣) محمدی بامیانی، غلامعلی (بی تا)، دروس فی البلاغة (شرح مختصر المعانی للتفتازانی) (چاپ اول)، بيروت: مؤسسه البلاغ
- ٢٤) حلی، حسن بن یوسف (١٤١٤)، تذكرو الفقها (چاپ اول)، قم: مؤسسه آل البيت (عليهم السلام) لإحياء التراث
- ٢٥) ابن اثير، مبارك بن محمد (بی تا)، البديع فی علم العربية (چاپ اول)، مكة: جامعة أم القرى، معهد البحوث العلمية و إحياء التراث الإسلامی
- ٢٦) مدرس افغانی، محمد علی (١٣٦٢)، المدرس الأفضل فیما یرمز و یشار إليه فی المطول (چاپ اول)، قم: دار الكتاب
- ٢٧) شیروانی، علی (١٣٨٥)، تحریر اصول فقه (چاپ دوم)، قم: دار العلم
- ٢٨) شهابی، محمود (١٣٢١)، تقریرات اصول (چاپ هفتم)، تهران: چاپخانه حاج محمد علی علمی

- ۲۹) صادقی تهرانی، محمد(۱۴۰۶)، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه(چاپ دوم)، قم: فرهنگ اسلامی
- ۳۰) سمین، احمد بن یوسف(۱۴۱۴)، الدر المصون فی علوم الكتاب المکنون(چاپ اول)، بیروت: دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون
- ۳۱) طوسی، محمد بن حسن(بی تا) التبیان فی تفسیر القرآن(چاپ اول)، بیروت: دار إحياء التراث العربی
- ۳۲) جمالی، مصطفی(۱۳۹۸)، مغنی الفقیه اصول نحو از دیدگاه فقهای شیعه (چاپ دوم)، قم: دار الفکر
- ۳۳) طبرسی، فضل بن حسن(۱۴۱۲)، جوامع الجامع(چاپ اول)، قم: حوزه علمیه قم، مرکز مدیریت
- ۳۴) ابوالفتوح رازی، حسین بن علی(۱۴۰۸)، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن(چاپ اول)، مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهشهای اسلامی
- ۳۵) بیضاوی، عبدالله بن عمر(۱۴۱۸)، انوار التنزیل و اسرا التاویل(چاپ اول)، بیروت: دار إحياء التراث العربی
- ۳۶) نظام الاعرج، حسن بن محمد(۱۴۱۶)، غرائب القرآن و رغائب الفرقان(چاپ اول)، بیروت: دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون
- ۳۷) ابوحيان، محمد بن یوسف (۱۴۲۰)،البحر المحيط فی التفسیر(چاپ اول)، بیروت: دار الفکر
- ۳۸) ابن کثیر، اسماعیل بن عمر(۱۴۱۹)، تفسیر قران عظیم(چاپ اول)، بیروت: دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون
- ۳۹) کاشانی، فتح الله بن شکرالله(۱۴۲۳)، زیده التفاسیر(چاپ اول)، قم: مؤسسه المعارف الإسلامیه
- ۴۰) کاشانی، فتح الله بن شکرالله(۱۳۰۰)، منهج الصادقین فی الزام المخالفین(چاپ اول)، تهران: کتابفروشی اسلامیة
- ۴۱) ابن ابی جامع، علی بن حسین(۱۴۱۳)، الوجیز فی تفسیر القرآن العزیز(چاپ اول)، قم: دار القرآن الکریم
- ۴۲) فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی(۱۴۱۵)، التفسیر الصافی(چاپ دوم)، تهران: مکتبه الصدر

- ۴۳) اشکوری، محمد بن علی (۱۳۷۳)، تفسیر شریف لاهیجی (چاپ اول)، تهران: دفتر نشر داد
- ۴۴) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا (۱۳۶۸)، کنز الدقایق و بحر الغرائب (چاپ اول)، تهران: ایران. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. سازمان چاپ و انتشارات
- ۴۵) حقی برسوی، اسماعیل بن مصطفی (بی تا)، روح البیان (چاپ اول)، بیروت: دار الفکر
- ۴۶) پانی پتی، ثناء الله (۱۴۱۲)، التفسیر المظهری (چاپ اول)، کویت: مکتبه رشديه
- ۴۷) شوکانی، محمد (۱۴۱۴)، فتح القدير (چاپ اول)، دمشق: دار ابن کثیر
- ۴۸) آلوسی، محمود بن عبدالله (۱۴۱۵) روح المعانی فی تفسیر قران العظیم (چاپ اول)، بیروت: دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون
- ۴۹) بروجردی، حسین بن رضا (۱۴۱۶)، تفسیر الصراط المستقیم (چاپ اول)، قم: انصاریان
- ۵۰) خطیب، عبد الکریم (۱۴۲۴)، التفسیر القرانی للقران (چاپ اول)، بیروت: دار الفکر العربی
- ۵۱) سائیس، محمد علی (۱۴۲۳)، تفسیر آیات الاحکام (چاپ اول)، بیروت: المکتبه العصریه
- ۵۲) ابن عاشور، محمد طاهر (۱۴۲۰)، تفسیر التحریر و التنویر المعروف بتفسیر ابن عاشور (چاپ اول)، بیروت: مؤسسه التاريخ العربی
- ۵۳) جعفری، یعقوب (۱۳۷۶)، تفسیر کوثر (چاپ اول)، قم: موسسه انتشارات هجرت
- ۵۴) تفتی تهرانی، محمد (هق ۱۳۹۶)، روان جاوید در تفسیر قرآن مجید (چاپ دوم)، تهران: برهان
- ۵۵) داورپناه، ابوالفضل (۱۳۶۶)، انوار العرفانی فی تفسیر القران (چاپ اول)، تهران: کتابخانه صدر
- ۵۶) طنطاوی، محمد سید (۱۹۹۷م)، التفسیر الوسیط للقران الکریم (چاپ اول)، قاهره: نهضة مصر
- ۵۷) موسوی، سبزواری، عبدالاعلی (۱۴۰۹)، مواهب الرحمن فی تفسیر القران (چاپ دوم)، بی جا: دفتر سماحه آیت الله العظمی السبزواری
- ۵۸) زحیلی، وهبه (۱۴۱۱)، التفسیر المنیر فی العقیده والشریعه والمنهج (چاپ دوم)، دمشق: دار الفکر

- ۵۹) قرشی، بنابی، علی اکبر (۱۳۷۵)، احسن الحدیث (چاپ دوم)، تهران: بنیاد بعثت، مرکز چاپ و نشر
- ۶۰) جوادی، املی، عبدالله (۱۳۸۳)، تسنیم (چاپ چهارم)، قم: مرکز نشر اسراء
- ۶۱) صالح، السامرائی، فاضل (۲۰۱۷)، معانی النحو (چاپ اول)، اردن: دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع الأردن
- ۶۲) وحید، پور، محمد سعید، مقاله ی نگاهی به مسئله ی تضمین
- ۶۳) دهقان، ازاد، محمد حسن، بررسی مبحث تضمین در علم نحو
- ۶۴) زرکشی، محمد بن بهادر (۱۴۱۰)، البرهان فی علوم القرآن (چاپ اول)، بیروت: دار المعرفة